

بعضی طوایف زمینهای خود را به صورت انفرادی به ثبت نرسانده‌اند و در بعضی طوایف بعضی افراد هنوز برای ثبت زمینهای خود مراجعه ننموده‌اند. این جنبه‌ها از عواملی است که در حال حاضر مسائلی چند برای دوانی‌ها ایجاد نموده است. ضمناً باید اذعان داشت که مالکیت این زمینها به صورت مشاعی در بین اعضای پایه طایفه‌ها بوده و هیچکس را حق انفرادی بر این زمینها نیست تا مادامی که زمینها به طور رسمی از طرف اداره ثبت تفکیک شود.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از بحثهای این فصل می‌توان گرفت این است که اولاً تغییرات الگوی زمین در دوان تابعی از تحولات در نظام وسیعتر مملکتی است. در هر دوره‌ای زمینداری در دوان تحت تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی همان دوره بوده و الگوی مسلط بر زمینداری شکل زمینداری در دوان را تعیین می‌کرده است.

دوم اینکه با شرایطی که در سطح ایران بوجود آمد و در ارتباط با سطح آگاهی مردم دوان که در نتیجه تأثیر مهاجران دوانی بر محیط دوان بوجود آمده بود، دوانی‌ها اقدام اساسی در جهت بیرون کشیدن خود از یوغ سلطه مالکان غاصب نمودند. این تلاش و مبارزه به طور رسمی ۲۷ سال به طول انجامید و نهایتاً به پیروزی دوانی‌ها ختم گردید. در این راه افراد بسیاری زحمات سنگینی را متحمل شدند و عده‌ای نیز سوء استفاده‌هایی از موقعیت خود نمودند که بنظر می‌رسد دوانی‌ها به موقع تلاش مذبح‌خانه آنها را خنثی نمودند.

سوم، در فرایند به ثبت رسانیدن زمینها اشکالات تکنیکی و بعضاً ناشی از سهل‌انگاری عده‌ای از دوانی‌ها بوجود آمد که امروز آن اشکالات، امر تفکیک زمینها را با مشکلاتی جدید مواجه نموده است. عده‌ای خواهان تفکیک زمینهای خود از کل قطعه مربوط به هر طایفه هستند، در حالی که غافل از این می‌باشند که کل زمین طایفه باید یکجا تحدید حدود شود و سپس اقدام به صدور سند‌های رسمی فردی نمود.

اگر چه دوانی‌ها زمینهای خود را در گذشته از دست مالکان و خوانین بدر آوردند اما امروزه هم موارد اختلاف با روستاهای اطراف و عشایری که به منطقه آمده و زمینهای زراعی را به عنوان

مرتفع به چراگاه تبدیل کرده‌اند وجود دارد. تلاشهای مردم دوان تاکنون ثابت کرده است که هرگاه به طور متحد برای حل مسأله‌ای اقدام نموده‌اند به توفیق دست یافته‌اند. این بار نیز بهترین راه حل اختلافات مراجعه به مراجع ذیصلاح است.

فصل ششم

ساخت اقتصادی

مقدمه

اقتصاد هر جامعه متشکل از بخشهای مختلف است. بخشهای مختلف در ارتباط متقابل با یکدیگر و دارای وظایفی معین هستند. ممکن است در هر جامعه‌ای يك بخش از سایر بخشها عمده‌تر گردد، اما کلیه بخشها لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه‌روستایی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از پیچیدگی خاصی برخوردار است که شناخت آن مستلزم مطالعه بخشهای مجزا اما در ارتباط با یکدیگر است.

زمانی اقتصاد روستاها، اقتصادی بسته بود و برای شناخت و تبیین آن کافی بود که اجزاء موجود در نظام روستا را بررسی کرده و در جمع‌بندی نهایی ارتباط بین آنها را نشان داد. امروزه نظامهای اقتصادی کلان و میانه بر سطح اقتصاد خرد اثر گذاشته و تا اعماق اقتصاد روستا نفوذ کرده است به طوری که دیگر از اقتصاد بسته سخن به میان آوردن خطایی بیش نیست. به عبارت دیگر اقتصاد روستا وابسته به اقتصاد نظامهای وسیعتر منطقه‌ای، کشوری و حتی بین‌المللی است. به همین لحاظ تغییرات در نظامهای وسیعتر خیلی زود اثرات خود را بر اقتصاد روستا می‌گذارد. هدف فصل حاضر ابتدا نشان دادن و تشریح قسمتهای مختلف اقتصاد روستای دوان است. در سطح بسیار وسیع شاید بتوان اقتصاد دوان را به بخشهای کشاورزی، دامپروری، صنایع روستایی، تجاری - مالی، و بالاخره خدمات تقسیم نمود. در این راستا با عنایت به تغییر و تحولات و با توجه به سیر تاریخی نشان داده خواهد شد که چگونه محتوای این بخشها تغییرات کمی و کیفی

نموده، قسمتهایی از بین رفته و در مقابل قسمتهایی گسترش پیدا کرده‌اند. روستای دوان همچون بسیاری از روستاهای کشورهای جهان سوم در ارتباط نزدیک با ساختهای اقتصادی خارج از خود است. در این فصل سعی می‌شود که ارتباط بخشهای مختلف با جوامع خارج از دوان نشان داده شود. بدون شك تغییر و تحولات اقتصادی بر ساخت اجتماعی يك جامعه اثر داشته و قشربندی اجتماعی را دستخوش دگرگونی می‌نماید. مطالب فصل حاضر زمینه‌ساز بحث در بافت اجتماعی روستای دوان خواهد بود.

بخش کشاورزی

بخش کشاورزی دوان را می‌توان به دو قسمت عمده زراعت و باغداری تقسیم کرد. هر کدام از این بخشها دارای مختصات مخصوص به خود بوده که هم به لحاظ تکنیکی و هم به لحاظ اجتماعی بحثهایی جدا می‌طلبند.

زراعت

سابقه کشت و زرع در دوان همزمان با پیدایش این روستا بوده است. از قدیم‌الایام دوان را منطقه‌ای زراعی می‌شناخته‌اند به طوری که حمدالله مستوفی از کشت برنج در ایران فقط در نواحی زیر یاد می‌کند: زنجان در عراق عجم، دادین و دوان در فارس، سراسر گیلان بویژه رشت و لاهیجان.^۱

اگر چه هیچگاه در خود دوان برنج کشت نمی‌شده است، اما بنظر می‌رسد که کل منطقه زراعی معروف به دوان بوده و شاهپور که منطقه برنجکاری است جزء منطقه زراعی دوان بوده است. به طور کلی زمینهای زراعی دوان حاصلخیز و مرغوب است و استعداد زراعت در این نواحی بقدری است که بعضی سالها طول ساقه‌های گندم به اندازه‌ای بلند می‌شده که سوار با اسب در میان آن ناپدید می‌گردیده است.^۲ این امر بدان علت است که زمینهای زراعی دوان بین سرحد و گرمسیر قرار دارد. همین امر باعث گردیده تا تنوع محصول زراعی در دوان دیده شود. نزدیک

شش نوع گندم در این روستا تولید می‌شود: ۱- گندم سیه خوش (siya xoš)؛ ۲- گندم خردو (xordu)؛ ۳- گندم کلگک (kalag)؛ ۴- گندم سیه‌خوش دارای ریشک (rišak)؛ ۵- گندم سیه کلگک بدون ریشک؛ ۶- گندم سفید. همچنین در این روستا حداقل سه نوع جو کشت می‌شود: ۱- جی دوپر (dopar) یا جی شنکی (senec-i)؛ ۲- جی مکه (jo-y macca)؛ ۳- جی چهار پر یا جی بل (bal).^۱

از زمانی که کشت تریاک در ایران رواج پیدا کرد، دوانی‌ها همیشه کشت خشخاش داشته‌اند. با منع کشت خشخاش در سال ۱۳۲۵ دوانی‌ها هم دیگر خشخاش کشت نمودند. بحث در مورد زراعت مستلزم بررسی چهار سطح است: زمین، سازمان کار، تکنیک کار، و تقسیم محصول.

زمین

بر اساس نقشه سازمان جنگلها و مراتع کشور که توسط سرچنگلداری استان فارس در سال ۱۳۵۳ تهیه شده، مساحت زمینهای زراعی دوان ۳۰۰۰ هکتار است. آنچه که از جدول ۱- ۶ بر می‌آید مقدار کل زمینهای صحرايي دوان (منظور همان زمینهای زراعی است) بر اساس تعداد سهام هر طایفه و هر سهم يك گاو، در مجموع ۹۳۷ گاو است. هر گاو عبارت است از مقدار زمینی که در روز توسط يك گاو شخم زده می‌شده. هر گاو ۱۰۰ من است و هر ۳۰ من هم يك هکتار می‌باشد. پس همان‌طور که از جدول مزبور بر می‌آید مقدار کل زمینهای زراعی دوان ۹۳۷۰۰ من یا به عبارتی ۲۶۷۴ هکتار می‌باشد.

زمانی نه چندان دور (تا قبل از ۱۳۲۰) کل زمینهای زراعی دوان زیرکشت بوده است که با مهاجرت تدریجی دوانی‌ها، سال به سال از میزان کشت کاسته شده به طوری که امروزه تنها ۱۶۷ هکتار از زمینهای زراعی دوانی‌ها به طور سالانه زیرکشت است. در حالی که ۸۵۲ خانوار دوانی و ۸۲ درصد از خانوارهای مهاجر بر زمینهای زراعی مالکیت دارند، و ۱۵۸ خانوار ساکن در دوان (از ۲۰۳ خانوار ساکن در دوان) بر زمینهای زراعی مالکیت دارند، تنها ۵۰ خانوار زمین زراعی راکشت می‌کنند. بیشترین مقدار مربوط به طایفه خواجه‌هاست که ۱۲ نفر حدود ۴۰ هکتار

زمین را می‌کارند، و کمترین مقدار مربوط به طایفه ققهاست که هیچکس در این طایفه در حال حاضر زراعت ندارد.

از آنجایی که مالکیت زمینهای زراعی به صورت مشاعی است و در حال حاضر تمام افراد هر طایفه زمینها را کشت نمی‌کنند، بالطبع افرادی که روی زمین کشت می‌کنند بر اساس توانایی و قدرتشان هر مقدار زمینی که می‌خواهند می‌کارند و عملاً کسی از اعضای طایفه مانع کار آنها نمی‌گردد. البته این افراد به لحاظ محدودیتهایی که دارند قادر نیستند که زمینهای زیادی را به زیر کشت ببرند.

جدول ۱ - ۶ وضعیت زمینهای زراعی و مقدار زمینهای زیرکشت هر طایفه در سال زراعی ۱۳۶۵

نام طوایف	مقدار زمین صحرا			مقدار زمین کشت در حال حاضر		
	گاو	من	هکتار	گاو	من	هکتار
باپیر	۱۲۰	۱۲۰۰۰	۴۰۰	۵	۵۰۰	۱۶/۵
تاشمساله	۶۰	۶۰۰۰	۲۰۰	۲	۲۰۰	۶/۵
جمالر	۲۴	۲۴۰۰	۸۰	۴	۴۰۰	۱۳/۵
خدادایو	۳۷	۳۷۰۰	۱۲۳/۵	۴	۴۰۰	۱۳/۵
خواجه میرک	۸۸	۸۸۰۰	۲۹۳/۵	۲	۲۰۰	۶/۵
خواجه‌ها	۹۰	۹۰۰۰	۳۰۰	۱۲	۱۲۰۰	۴۰
دهداران	۱۲۰	۱۲۰۰۰	۴۰۰	۱	۱۰۰	۳/۵
زیربلوطی	۱۴۲	۱۴۲۰۰	۴۷۳/۵	۴	۴۰۰	۱۳/۵
فخرو	۳۰	۳۰۰۰	۱۰۰	۲	۲۰۰	۶/۵
ققها (فکیرو)	۲۸	۲۸۰۰	۹۳/۵	-	-	-
محمدعلی جمال	۴۸	۴۸۰۰	۱۶۰	۱۰	۱۰۰۰	۳۳/۵
ملاها	۱۵۰	۱۵۰۰	۵۰	۴	۴۰۰	۱۳/۵
جمع کل	۹۳۷	۹۳۷۰۰	۲۶۷۴	۵۰	۵۰۰۰	۱۶۷

سازمان کار

سازمان کار در روستای دوان متشکل از يك گروه ۶ نفره به نام درکار (dar kâr) بوده است. در کار همان بنه یا صحرا است که در سایر نقاط ایران دیده شده است.^۱ هر درکار تحت کنترل يك نفر به نام سرکار (sar kâr) بود. سرکار از همه پیرتر و با تجربه تر و دارای دو دستیار به نام ورکار (var kâr) بود. و بالاخره هر درکاری دارای سه زارع بوده است. معمولاً اعضای در کار با یکدیگر قوم و خویش نزدیک بودند به طوری که اغلب از يك تیره یاسو بودند. اعضای در کار با یکدیگر شخم می کردند. بذر می پاشیدند و به طور دسته جمعی درو می کردند و محصول را در محل مخصوصی به نام خرمن (xarman) جمع آوری و آماده تقسیم می نمودند. هر درکاری يك خرمن داشت.

برای هر ۱۰۰ من زمین يك نفر و يك قاطر جهت شخم زدن لازم بوده است. هر نفر ۴ من در روز شخم می زده، لذا ۲۵ روز طول می کشید که هر گاو زمین شخم زده شود به هنگام کشت هر (۱۰۰ من را در سه ساعت بذرپاشی می کرده اند. هنگام برداشت محصول (عمل درو کردن را به دوانی جورو (juru) گویند) گروه حاضر می شد و بعد از تهیه آذوقه روز اول به صحرا می رفتند و در آنجا به مدت ۲ تا ۳ روز می ماندند و يك نفر مأمور بود که آذوقه و آب آشامیدنی برای روزهای دوم و سوم را تهیه کند. لذا او سوار بر قاطر به دوان می آمد و از منزل اعضای تیم زراعی مواد لازم را دریافت می کرد و به صحرا می برد. اگر کسی توانایی کار کردن را نداشت یا نیازمند به کمک بود، کارگران زراعی را که بازیار (bâzyâr) گویند اجیر می نمود. بازیاران بعضی مواقع از قاطر خود هم استفاده می کردند که هم برای خود و هم برای قاطر خود سهمی دریافت می کرده اند. ناهار بازیار هم به عهده گرو بود. اخیراً که دیگر سهم به بازیاران نمی دهند، آنها برای کار يك روز خود و قاطرشان ۵۰۰۰ تومان به اضافه ناهار یا معادل آن ۵۰۰ تومان دریافت می کنند. باروی کار آمدن تراکتور به عوض گاو و قاطر، هر تراکتور در هر ساعت ۴ من شخم می زند که برای هر ساعت ۱۰۰۰ تومان به اضافه نهار ظهر دریافت می کند. برای بذر پاشی هم ۱۰۰ من را در سه ساعت بذر می پاشند که برای هر ساعت ۱۰۰۰ تومان دریافت می کنند. برای درو کردن اگر کارگر

(۱) برای اطلاع بیشتر در مورد بنه رجوع شود به: صفی نژاد، ۱۳۵۳؛ لهستانی زاده، ۱۳۶۴؛ ۸۶-۸.

مزدی استفاده شود مزد هر کارگر در روز ۳۵۰۰ تومان است.

تکنیک و ابزار کار

زمین زراعی را دوانی‌ها به سه قسمت تقسیم می‌کرده‌اند. قسمت اول را در فصل پاییز (حدود اول آبان) شخم زده و پس از اولین بارندگی بذر جو یا گندم می‌کارند. قسمت دوم را دوبار شخم می‌زنند: بار اول در اوایل دی ماه که آن را به *خِ-شه* (*ya xe:sa*) (یک شخمه) گویند و قبل از شخم زدن تاکستانها است؛ بار دوم در اواخر زمستان و آن را *دو-خِ-شه* (*do xe:ša*) گویند. سپس قسمت دوم را نیز در اواخر پاییز بذر می‌پاشند. قسمت سوم که دو سال به صورت آیش رها شده است بعد از قسمت دوم، شخم سوم خورده و سپس کاشته می‌شود. این سبک کشت در منطقه دشت کازرون به همین شکل به نامهای رنه کار و نمکار دیده شده است. اکلاً کشت گندم و جو در دوان به صورت دیمی است.

فصل برداشت گندم از اول اردیبهشت تا نیمه خرداد است، و فصل برداشت جو از نیمه فروردین تا آخر اردیبهشت می‌باشد. با توجه به اینکه فصل کار در تاکستانها، بهمن ماه و از نیمه خرداد تا پایان مهر ماه است، کشاورز دوانی که هم زراعت می‌کند و هم باغداری از نیمه فروردین تا پایان بهمن ماه مشغول کار (کاشت و داشت و برداشت) در صحرا و باغهای دوان است و تنها تمام اسفند و نیمه اول فروردین کار زراعی ندارد.

وسایل تولیدی زراعی دوانی‌ها عمدتاً خیش چوبی است که بر سر آن *یک تیغ فلزی* به نام *آسَل* (*asa:l*) قرار دارد و آنچنان که باید زمین را شخم نمی‌زنند. وسیله خیش در خود روستا تهیه می‌شود. برای درو کردن عمدتاً از داس استفاده می‌کرده‌اند. معمولاً داس از کازرون به وسیله غربتیهایی (حاشیه‌نشینها) که به دوان می‌آمدند تهیه می‌شده است. توده‌های خرمن را در سرخرمن جمع‌آوری کرده و به وسیله راه بردن چارپایان و چرخاندن وسیله چوبی با پره‌های فلزی (این وسیله را *بُرّا* (*borrà*) گویند) بر روی آن، خوشه‌های گندم و جو را خرد و سپس با باد دادن توسط چنگال‌های چوبی (اوشی - *ōši*) کاه را از دانه جدا می‌کنند. سپس جو یا گندم را داخل گونی کرده و

گاه را در کیسه‌های شبکه‌ای بنه (bena) قرار داده توسط چارپایان به روستا حمل می‌کنند. اخیراً دوانی‌ها از تراکتور برای شخم زدن استفاده می‌کنند. تراکتور را معمولاً یا از بخش خصوصی کرایه می‌کنند یا جهاد کازرون در اختیار آنها قرار می‌دهد. همچنین از کمباین برای برداشت غله خود استفاده می‌کنند که معمولاً کمباین داران خصوصی از مرودشت به دوان می‌آیند.

برداشت و تقسیم محصول

با توجه به دیمی بودن کشت غلات در دوان، در هر هکتار زمین که ۱۵۰ کیلو (۳۰ من) گندم یا جو به عنوان بذر پاشیده شود، به طور متوسط ۳۰۰۰ کیلو محصول برداشت می‌کنند. با توجه به اینکه در حال حاضر دوانی‌ها فقط ۱۶۷ هکتار از زمینهای زراعی خود را کشت می‌کنند، جمع کل برداشت محصول جو و گندم از روستای دوان چیزی در حدود ۵۰۰,۰۰۰ کیلوگرم است این مقدار در مقایسه با پتانسیل تولید در روستای دوان بسیار ناچیز است.

بعد از آنکه محصول غله آماده تقسیم می‌شد، یک ممیز از طرف مالک از کازرون بر سر خرمن‌ها می‌آمد و پس از ممیزی، از هر ۱۰۰ من غله ۱۱ من جهت منال جدا می‌کرد. دوانی‌ها موظف بودند که منال را به انبار مالک در کازرون حمل کنند. مالک برای اینکه کار خود را ساده‌تر نماید و دریافت منال را سهولتر کند، طایفه‌های دوازده گانه را به چهار پایه زراعتی تبدیل کرده بود: پایه اول، با پیر و خواجه میرک، پایه دوم، طوایف دهداران، زیر بلوطی و تا شمساله؛ پایه سوم، طوایف ملاها و فقها؛ و پایه چهارم، طوایف خواجه‌ها، محمدعلی جمال، جمالو، خدادیو و فخرو. اگر خسارتی وارد می‌آمد، پایه‌ها مجبور به پرداخت آن بودند. خلاصه اینکه مالک خود را با افراد کمتری درگیر می‌کرد با بیرون آوردن زمینهای زراعی از چنگ مالک، دیگر کل محصول زراعی به طور مساوی بین اعضای گروه تقسیم می‌شود.

بعد از تعیین مقدار خرمن هر گروه، خرمن را ترشه (tarša) می‌کردند. ترشه عبارت بود از یک بار گندم یا جو که حدوداً ۳۰ من بوده است. هر مرتبه یک بار ۳۰ منی (یک ترشه) به منزل یکی از اعضای گروه می‌رفت تا کل محصول نهایتاً تقسیم شده باشد. بذر سال آینده را هم از سهم زارعان معین می‌کردند، یعنی بعد از جدا نمودن سهم مالک. گاه تولید شده کلاً سهم زارعان بود و مالک را بر آن حقی نبود. گاه را به رسم ترشه تقسیم می‌کردند. اصولاً سعی بر این بود که عدالتی

در کار باشد، اما لزوماً همیشه در عمل چنین نبوده است و تقلب‌هایی در تقسیم محصول صورت می‌گرفته است. در واقع سهم هر زارع قوت سالانه او و خانواده‌اش بود. در بعضی سالها که محصول خوب بود، مازادی برای مبادله باقی می‌ماند که معمولاً دوانی‌ها آن را به روستاهای اطراف برده و بر اساس مبادله پایاپای، سایر مایحتاج خود را تهیه می‌کردند. و هرگاه محصول خوب نبود، به علت بالا بودن طبع دوانی‌ها از مالک گندم و جو قرض نمی‌کردند، بلکه محصول باغهای خود را فروخته کسری گندم یا جو خود را تهیه می‌کردند.

باغداری

موقعیت خاص روستای دوان باعث گردیده که دوانی‌ها شیوه خاصی از باغداری را بکار برده و نهایت استفاده را از امکانات موجود ببرند. کشاورزی به طور کلی و باغداری به طور اخص در روستای دوان کاربرد بوده و بیشتر از نیروی کار انسانی استفاده می‌گردد. در باغداری دوان ما با سه نوع باغ مواجه می‌شویم. نوع اول تاکستانهای انگور دیم است که دارای تاریخ چند صد ساله هستند، نوع دوم باغهای انار آبی است که در شرایط کمبود آب بعمل آمده است، و نوع سوم باغهای انجیر و خرمور (xormur - امرود) دیم است که در مناطق کوهستانی گسترش یافته‌اند.

تاکستانهای انگور دیم

از آنجایی که دوان یک منطقه کوهستانی کم آب است، انگور کاری آن عمدتاً در مناطق کوهستانی، کوهپایه و بعضاً در دشت به صورت دیم انجام گرفته است. تاکستانها همیشه متعلق به دوانی‌ها بوده و مالک را بر آن حقی نبوده است، تقریباً تمام دوانی‌های ساکن در دوان به نحوی دارای تاکستان بوده‌اند، اما به مرور زمان در اثر مهاجرت‌های به خارج از روستا و مهاجرت‌های به داخل روستا، در حال حاضر ۱۵۸ خانوار از ۲۰۳ خانوار ساکن در دوان دارای تاکستان هستند. طبق بررسیهای میدانی در مورد مهاجران دوانی، ۷۶ درصد خانوارهای مهاجر دوانی دارای تاکستان در دوان می‌باشند. افراد ساکن در دوان بین ۱ تا ۴۰ گاو تاکستان دارند. هرگاو باغ انگور برابر ۲۵۰ تاک انگور است. در بین مهاجران هم افرادی دیده شده که دارای ۳۰ گاو باغ انگور هستند که اینها عمدتاً باغداران غایب بوده و باغهایشان توسط دوانی‌های ساکن در دوان رسیدگی و نگهداری می‌شود.

تهیه آمار دقیق از میزان تاکستانهای دوان امری ساده نیست زیرا از یک طرف گستردگی و

پراکندگی باغها بقدری است که آنها را نمی‌توان بسادگی ممیزی نمود، و از طرف دیگر بسیاری از باغات رها شده و دیگر صاحبان آنها در پی تعمیر آنها نبوده و تبدیل به علفزارهایی شده‌اند و چه بسا صاحبان آنها فوت کرده و تعیین اینکه هر کدام مال کیست تقریباً محال شده است. بر اساس نقشه تهیه شده توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور در سر جنگلداری استان فارس به تاریخ ۱۳۵۳، مساحت باغات دوان ۱۳۱۰/۰۵ هکتار بیان شده است. در حالی که بر طبق آمارگیری جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۰، میزان سطح زیر کشت تاکستانها را ۲۰۰۰ هکتار تخمین زده‌اند.^۱ از آنجایی که تاکستانهای دوانی‌ها در مناطق کوهستانی قرار دارد، و از طرفی دوانی‌ها معتقدند که سر جنگلداری استان در تهیه نقشه، بسیاری از مناطق تاکستانی را جزء منابع ملی قلمداد کرده است در حالی که عملاً باغ هستند، لذا بنظر می‌رسد که همان مقدار ۲۰۰۰ هکتار به واقعیت نزدیکتر باشد. این مقدار باغ در منطقه‌ای کوهستانی و کوهپایه بین تیره تاق در پشت کازرون (نقطه شروع جنوبی) تا دوان و از دوان تا ریز تنگ چوگان (واقع در تنگ چوگان علیا) در شمال قرار دارد. به علت گستردگی تاکستانها و در برگرفتن هوای گرم کوهها و کوهپایه نزدیک کازرون، تاکها در آن منطقه تا خود روستای دوان زودتر به گل می‌نشینند و در نتیجه انگورهای آن منطقه هم زودتر شیرین شده و آماده بازار می‌گردد. از لحاظ مهیاسازی، این باغها باید زودتر از منطقه دوم یعنی از دوان تا تنگ چوگان آماده شوند. به دلیل سردی هوای منطقه دوم، یعنی از دوان تا تنگ چوگان، انگورها دیرتر می‌رسند که این امر هم در داشت و هم در برداشت به دوانی‌ها کمک کرده و ضمناً بازار را آشفته نمی‌نماید.

در باغهای انگور دوان، تاکهای متنوعی کاشته شده که میوه هر کدام دارای رنگ و طعم و اندازه خاصی است. در سطح بسیار وسیع انگورهای دوان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - انگورهای سفید که شامل: ۱ - نالونی (nāluni)، ۲ - آسکری (askari)، ۳ - کمشی (Komaši) (معروف به لُرکُش)، ۴ - گلون گوی (golun govi)، ۵ - آوی (āvi)، ۶ - رویی (reveyi)، ۷ - ریش بُووئی (riš bovoyi) (همان ریش ببا است)، ۸ - کلاهی (Kolāhi)، ۹ - رتوی (retavi)، ۱۰ - گیهی (gihi)، ۱۱ - خوی کوگی (xoy kōgi) (تخم کبکی) و ۱۲ - کشمش

(kešmeši) است.

ب - انگورهای سیاه که شامل: ۱ - یاقوتی (yā quti)، ۲ - سمل قندی (semalqandi)، ۳ - گپ لُرگ (gablorg)، ۴ - شَس اَرُوس (šas arus)، ۵ - خارکی (xāraci)، ۶ - سی یی دارسوز (siy - ey dār sōz)، ۷ - سی یی کلنگی (siya - ey kolanği) (معروف به خرخور) و ۸ - پَرُو - زی (parve: zi) است.

از نظر خود دوانی‌ها بهترین نوع انگور سفید نالونی و مرغوبترین انگور سیاه یاقوتی است که هر دو در منطقه اول قرار دارند و دارای پوستی ظریف و بازاری داغ هستند زیرا زودتر از سایر انگورها می‌رسند. نامرغوبترین انگور سیاه سی یی کلنگی و زمخت‌ترین انگور سفید، کمشی است. این انگورها بیشتر در منطقه کوهستانی بعمل می‌آیند و عمدتاً به مصرف مویزسازی، سرکه‌اندازی و شیرپزی می‌رسند.

از آنجایی که تا کستانهای دوان عمدتاً در منطقه کوهستانی است، تبدیل زمینهای بایر به باغ برای دوانی‌ها کار آسانی نبوده است. به همین لحاظ تبدیل شیب‌های تند کوه پایه به باغهای پلکانی، نیروی کار زیادی برده و باغداری دوان را از نوع کاربر کرده است. باغهای دوان حاصل کار نسلهای پی در پی در طول سالیان دراز است به طوری که عمر بعضی از باغها به بیش از هزار سال می‌رسد. هر دوانی مقدار زیادی از عمر خود را صرف تبدیل این زمینهای سنگلاخی به باغ کرده است.

طرز ساختن تا کستان به این شکل است که شخص باغساز یا زمین از خودش است و یا اینکه زمین از کس دیگری است. اگر زمین از خودش باشد کلیه مخارج بر دوش خودش می‌باشد و نهایتاً کل باغ متعلق به اوست. اگر زمین از آن کس دیگری باشد، تا قبل از تقسیم باغ، مخارج بین طرفین تقسیم می‌گردد. مثلاً در مدت ۷ سال اول اگر باغ علف هرز پیدا کند، خرج رسیدگی به آن به طور مساوی با طرفین قرارداد است. اگر زمین شیب تند داشته باشد، برای اینکه آب باران روی زمین سوار شود زمین را باید بصورت پلکانی درآورند. برای ساختن پلکان بناچار باید دیوارهای سنگ چین (اسپن - espen) بین ردیفهای زمین قرار دهند. اگر زمین مرغوب نباشد، مالک ۱ - مخارج دیوارکشی را باید پردازد. این عمل را نخاس (naxas) گویند. اگر در مدت ۷ سال باغساز قادر به ساختن باغ نباشد، مالک زمین می‌تواند زمین خود را از او باز پس گیرد. در

صورتی که باغ درست شود، مالک و باغساز ۲ نفر را به عنوان کارشناس تعیین می‌کنند و بر سر باغ رفته تا کها را به تساوی بین خود تقسیم می‌کنند. تعیین تعلق سمت باغ به وسیله قرعه کشی است یا در صورت قرار قبلی انتخاب اول با مالک زمین است.

ابتدا زمین را از سنگهای بزرگ و کوچک پاک کرده و از سنگها دیوارهای باغ را می‌سازند. سنگها هر چقدر هم بزرگ باشد آنها را متلاشی می‌کنند. دیده شده که سنگهای ۵ تنی را هم برای باغسازی متلاشی کرده‌اند. همین امر دوانی‌ها را نسبت به شرایط محیطی سخت کوش بار آورده است. در جریان باغسازی تا سنگی را که به صورت مانع باغسازی است بردارند دست بردار نیستند. دیوارهای باغ را یا یک لایه می‌سازند که در واقع دیوار پلکان‌هاست و در پس آن سنگریزه و خاک می‌ریزند، یا دو لایه می‌سازند که در این صورت دیوار حفاظی باغ است تا گله‌های بز و گوسفند و یا الاغ وارد باغ نشوند.

بعد از اینکه زیر بنای باغ مهیا شد، به فاصله ۵ متر به صورت شطرنجی گودهای یک متری (گوده goda) می‌کنند. این عمل از ۱۵ بهمن ما شروع و تا ۲۰ اسفند طول می‌کشد. هر فرد قادر است در روز حداکثر ۸ گوده حفر کند. بعد از گوده زدن، زمین را شخم می‌زنند و به این عمل یک خیشه گویند. دو چوب انگور را جفت هم در هر گود می‌کارند به طوری که در پایین ۲۰ سانتی متر از هم جدا، اما در رأس به هم چسبیده‌اند. برابر سطح زمین روی سر چوب به اندازه ۴ سانتی متر خاک نرم می‌ریزند به طوری که چوب پیدا نباشد. حدود ۱۰ روز قبل از نوروز به وسیله سه سنگ، طاقی بر سر بوته انگور کاشته شده می‌بندند تا از باران، باد و آفتاب مستقیم محفوظ بماند. بعد از عید نوروز به وسیله سه سنگ، طاقی بر سر بوته انگور کاشته شده می‌بندند تا از باران، باد و آفتاب مستقیم محفوظ بماند. بعد از عید نوروز که گیاه حدود ۲۰ سانتی متر شاخه سبز تازه داده است، فوراً طاق را باز کرده پای گیاه را با داس زیر و رو می‌کنند و دوباره طاق می‌بندند. بعد از طاق دوم دوباره شخم زده، آن را دو خیشه گویند. از آن زمان تا مدت یک سال (تا بهمن ماه)، باغ را به حال خود رها می‌کنند. در ۱۵ بهمن دوباره خیش کرده، طاق را عوض می‌کنند. در سال دوم از ساقه‌های نو یک قاب که حدود ۳ سانتی متر باشد می‌برند و سپس روی ساقه دوباره خاک نرم می‌ریزند. چون این تا کستانها دیمی هستند، کار سال اول باید تا سه سال ادامه پیدا کند تا ریشه گیاه محکم شود. در ابتدای سال چهارم، دو شاخه بلند را در طرفین به طریق

خواباندنی (اوگنده *ôganda*) تکثیر می‌کنند، البته اگر جا داشته باشد. اگر جا نداشته، کنار یک ساقه را تا نیم متر پایین رفته و ساقه را قطع می‌کنند. در سال چهارم حدود ۴۵ تا ۵۰ سانتی‌متر تنه تاک را از پایین هرس می‌کنند. این عمل را تُنگ‌گیری (*tong giri*) گویند. به عبارت دیگر در رأس چوب چند شاخه می‌گذارند که در اصطلاح گویند برایش *بَغَل* (*beqal*) گذاشته‌اند. در سال پنجم تاک پوست سیاه می‌اندازد. در این سال به یک شاخه اجازه می‌دهند که بین ۴ تا ۵ خوشه انگور کند. در سال ششم اگر تنگ (ساقه اصلی تاک) قوی بود ۱۰ خوشه برایش می‌گذارند تا به مرحله انگور برسد. در سال هفتم تا دهم آنچنان تاک را هرس می‌کنند که هر تاک تا ۴ کیلو انگور بدهد. از سال دهم به بعد چهار تا ۵ شاخه مخصوص انگور دادن برای تاک باقی می‌گذارند. در هر سال شاخه‌های ثمر داده را می‌برند تا ساقه‌های ثمر نداده در سال آینده انگور کنند. از سال ششم به بعد تنها یک شخم می‌زنند، اما اگر کسی دو شخم هم زد بهتر است چون محصول را افزایش دهد. ساختن باغ در آن شرایط سخت باعث شده که دوانی‌ها توجه و مراقبت زیادی نسبت به باغهای خود بنمایند. به همین لحاظ تعمیر و نگهداری تاکستانها مستلزم چند عمل پی در پی است. ابتدا باغها را *سِرُویی* (*seroyi*) می‌کنند. *سِرُویی* عبارت است از بریدن شاخه‌های خشک (بدون برگ) اضافی سال پیش که در دی ماه انجام می‌گیرد. در این مرحله از هرس کردن، شاخه‌هایی از تنه اصلی بریده می‌شود که هرس کننده عقیده دارد وجود آنها صددرصد اضافی است و به درخت لطمه وارد می‌آورد. عمل بعدی *بُرید* (*borid*) است که مرحله دیگری از هرس کردن است. در این مرحله سر شاخه‌هایی را که در مرحله اول نبریده‌اند و احتمال می‌داده‌اند که ممکن است شاخه‌های ثمری باشند، می‌برند. این مرحله حدود ۲۰ روز قبل از عید نوروز صورت می‌گیرد. عمل بعدی *خِش* (*xēs*)، (خیش) است. خیش زدن یا شخم زدن زمین باغها باید قبل از به جوانه نشستن درخت انجام گیرد. قسمتهای نزدیک تاکها را با تیشه پاکنی می‌کنند. سپس به هرسی جدید به نام *تَرِپِز* (*tarpe:z*) می‌رسیم که در این مرحله جوانه‌های جدید زائد درخت را قطع می‌کنند تا قوت درخت به هدر نرود. این عمل بعد از عید نوروز انجام می‌گیرد و شاخه‌های جوان بدون گل (*سَلْوِک* *salvek*) را قطع می‌کنند. عمل بعدی *اُفتوسایه* (*ofto sāya*) است که بعد از به دانه نشستن گل‌های انگور انجام می‌گیرد. به دلیل گرمای آفتاب، خوشه‌های انگور را تا آنجا که امکان دارد از معرض آفتاب دور نگه می‌دارند. برای این کار خوشه‌هایی را که نزدیک زمین است به وسیله

شاخه‌های خود درخت می‌پوشانند و خوشه‌های بالایی را توسط بوته‌های گیاهانی به نام کالوس (kâlus) با بُنجه (bonja) می‌پوشانند. در طول این مراحل نیز کارهای دیگری از قبیل تعمیر و مرمت دیوارهای ریزش کرده یا تکثیر گیاهان (اوگنده ôganda) انجام می‌گیرد که قبلاً توضیح آن گذشت.

هر گاو باغ انگور، یک روز سُرُیی، یک روز بُرید، یک روز خیش، یک روز پاکنی، یک روز تَرپز، و یک روز اُفتوسایه احتیاج دارد. برای یک گاو از هر کدام اعمال نامبرده بالا به یک نفر که ۱۰ ساعت در روز کار کند احتیاج است. در مورد عمل خیش یک قاطر برای یک گاو خیش لازم است. تعمیر باغهایی که دور از دوان هستند به علت بُعد مسافت، کار دسته جمعی چند روزه می‌برد که معمولاً یک نفر به عنوان رابط بین روستا و محل کار برای رساندن آذوقه معین می‌گردد. در حال حاضر خرج هر گاو باغ انگور در یک سال ۱۲۵۰۰۰ ریال است. محصولی را که دوانی‌ها از باغهای خود می‌گیرند به صورت یکسان نمی‌باشد. هر چه باغ قدیمی‌تر و تاکهای آن پیرتر باشد محصول آن کمتر است. هر چه تعمیر باغها دقیقتر باشد محصول آنها بیشتر است. مثلاً باغهای پایین روستا به علت جدید بودن و مراقبت بهتر، از محول بالاتری برخوردار هستند تا باغهایی که در کوههای دوان و مناطق دوردست قرار گرفته‌اند. بسیاری از باغهای کوه به علت عدم تعمیر، محصول آنچنانی ندارند. علت اساسی، عدم توجه به بسیاری از باغهاست. مثلاً از ۷۶ نفر مهاجر دوانی صاحب باغ ۷۰ نفر (یعنی ۹۲ درصد) درآمدشان از تاکستان صفر است. اگر چه تعدادی از آنها سالانه مقداری پول برای تعمیر باغ می‌دهند، اما هزینه آنها با دریافتی برابر است و در نتیجه درآمدی از باغ ندارند. به همین لحاظ فقط به خاطر حفظ میراث خانوادگی به مختصر تعمیر آن می‌پردازند و با محصول پایین راضی هستند.

به طور متوسط هر گاو باغ انگور خوب، در سال بین ۵۰ تا ۶۰ من انگور می‌دهد. طبق برآورد جهاد سازندگی استان فارس، مقدار انگور تولید شده در سال زراعی ۱۳۶۰ برابر ۱۰۰۰ تن بوده است. سابقاً انگور را صبح زود قبل از طلوع آفتاب چیده و در سبدهای مخصوص قرار می‌دادند و سپس قبل از طلوع آفتاب آن را به سمت بازار روانه می‌کردند. تا چند سال قبل تنها بازار انگور دوان، کازرون بود. دوانی‌ها برای اینکه تعادلی بین عرضه و تقاضای انگور برقرار نمایند، برنامه‌ای مشخص برای ارسال انگور به بازار کازرون داشتند. هر روز چند طایفه (یک پایه) از

طوایف ۱۲ گانه حق داشت که انگور خود را به بازار عرضه کند در نتیجه مقدار معینی انگور وارد بازار می‌شد و از این طریق قیمت انگور دستخوش تغییرات زیادی نمی‌گردید. با این حال چون بازار انحصاری بود، همیشه در جریان مبادله انگور، به دوانی‌ها اجحاف می‌شد، بخصوص که دوانی‌ها براساس اعتمادی که به خریدار می‌نمودند و بعضاً به لحاظ بیسوادی، کل بار انگور را به دکاندار کازرونی می‌دادند و در آخر فصل، حساب و کتاب می‌نمودند و قیمت اجناس را که خریداری می‌شده از قیمت انگور آورده شده کسر می‌نمودند. در این رابطه هم مبادله نابرابر بود و هم در وزن کردن بار انگور، به فروشنده دوانی اجحاف می‌شد.

با بهتر شدن وضع جاده دوان و افزایش وسایل حمل و نقل و همچنین راه یافتن به بازارهای غیر از کازرون، دوانی‌ها انگورهای خود را به شهرهای شیراز، بوشهر و اصفهان و در دوران قبل از انقلاب اسلامی به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌بردند. در بسیاری موارد افراد از شهر آمده و انگورها را در همان باغ خریداری می‌کنند. از یک طرف انحصار بازار کازرون شکسته شده، اما از طرف دیگر فروش انگور دوان تابع نوسانات قیمت در بازار شهرهای بزرگ شده است. انگورهایی که زودتر می‌رسند از قیمت بالایی برخوردارند و اصولاً انگور دوان در منطقه فارس زودتر از هر جای دیگری به بازار می‌آید. به همین لحاظ همیشه بین قیمت انگورهای اولیه و قیمت آخرین انگورها معمولاً ۴۰ درصد اختلاف قیمت وجود دارد (مثلاً در سال ۱۳۶۵ قیمت انگورهای اولیه کیلویی ۲۴۰ ریال بوده، در حالی که قیمت انگورهای آخر ۶۰ ریال بوده است). از آنجایی که دوانی‌ها در سالهای اخیر انگورهای خود را به میدانداران می‌فروشنند، می‌توان گفت که آنها از استثمار دکانداران کازرونی خود را نجات داده اما گرفتار استثمار جدید میدانداران در شهرهای بزرگ شده‌اند که بعضی مواقع حاصل دسترنج دوانی‌ها را حتی تا ۵ برابر به دکانداران می‌فروشنند.

باغهای انار آبی

در منطقه دوان، در زمینهای زیر چشمه‌ها، باغهای انار وجود دارد که همگی دارای انارهای آبی هستند. این باغها مانند تاکستانها همیشه متعلق به دوانی‌ها بوده و مالک زمینهای زراعی را بر آنها حقی نبوده است. این باغها طی سالیان دواز نسل اندر نسل با تلاش و زحمت زیاد ساخته شده‌اند. دوانی‌ها برای ساختن این باغها نیز مانند تاکستانها تپه و ماهو را به صورت پلکانی در

آورده و جداول آبیاری برای آنها ساخته و در زیر هر چشمه حوضی جهت جمع‌آوری آب و آبیاری تهیه دیده‌اند. برحسب مقدار آب هر چشمه، مساحت زمین مناسب با مقدار آب موجود را تبدیل به باغ نموده‌اند. باغها هر کدام متعلق به بیش از یک نفر است و در واقع هر باغی تشکیل شده از چند باغ کوچکتر است.

باغهای انار هفته‌ای دوبار به آبیاری احتیاج دارند که معمولاً صاحب باغ از روی نوبت به آبیاری باغش می‌پردازد که این عمل در بسیاری مواقع نیازمند شب زنده‌داری است. این باغها مانند تاجکستان احتیاج به خیش، پاکنی و ترپز (هرس) سالانه دارند. ضمناً درختها را همه ساله بو می‌دهند تا گلگهایش نریزد.^۱ هر کارگر در یک روز از حدود ۲۰ تا ۳۰ درخت نگهداری می‌کند. محصول انار باغهای دوان متنوع هستند: ۱- انار پوست سرخ معروف به «نار شیراز»، ۲- انار اتابکی که شیرین و ترش است (به قول دوانی‌ها دو مزه است)، ۳- انار پوست سفید که معروف به «نار شیرین» است، و بالاخره ۴- انار پوست سفید ترش. اگر سال کشاورزی پر بار باشد هر درخت انار در دوان بین ۳۰ تا ۵۰ کیلو انار می‌دهد. اگر متوسط تولید را ۴۰ کیلو بگیریم، با توجه به اینکه در حال حاضر نزدیک ۸۵۵۰ درخت انار در منطقه دوان وجود دارد، محصول کل سالانه باغهای انار دوان چیزی نزدیک به ۳۴۲ تن انار است.

باغهای دیمی انجیر و خرمور

در کوهها و باغهای دوان با درختهای انجیر برخورد می‌کنیم که همگی به صورت دیم می‌باشند. این درختهای انجیر یا به صورت باغهای مشخص انجیر هستند یا به صورت تک درختهایی پراکنده در تاجکستانها قرار دارند. باغهای انجیر عمدتاً در منطقه کوههای سرحد قرار دارند و تک درختهای انجیر در همه باغهای دوان (اعم از سردسیر و گرمسیر) پراکنده هستند. مالکیت باغهای انجیر همچون باغهای انار تعلق به خود دوانی‌ها داشته و ارباب را بر آن حقی نبوده است.

در مجموع ۲۴ باغ انجیر در کوههای دوان وجود دارد که روی هم ۵۰۰۰ درخت انجیر

(۱) به دلیل مشکل به بار نشستن درختهای انار، مردم دوان تدابیر مختلفی را پیشه می‌کنند. از جمله هنگام به گل نشستن درختهای انار آن را بو می‌دهند. بدین صورت که مقداری پیه گوسفند را در زیر درخت دود می‌کنند. به اعتقاد آنان این امر باعث می‌شود که گلگهای درخت نریزد و درخت هر چه بیشتر به ثمر بنشیند.

دارند. بیشتر باغهای انجیر ۱۰۰ درختی می‌باشند. اما این مقدار کل درختهای انجیر منطقه دوان نیست. بنابر اظهار نظر کارشناسان محلی چیزی نزدیک به ۵۰۰۰ درخت انجیر دیگر در باغهای دوان به صورت پراکنده وجود دارد.

باغهای انجیر همچون باغهای انگور و انار احتیاج به خیش و تیش و پاکنی دارند. همچنین همه ساله باید درختها هرس شوند. زحمت و مخارج تعمیر و نگاهداری باغ انجیر مانند باغ انار است. باغهای انجیر را هم باید مانند باغهای انار همه ساله بو بدهند تا انجیرها نریزند.^۱ بو دادن باغ انجیری توسط انجیر نرسیده به نام دکو (daku) انجام می‌گیرد.

انجیر دوان از کیفیت بالایی برخوردار است، اما به علت دیمی بودن، بعد از چیدن خیلی سریع رنگ عوض می‌کند و باید هر چه زودتر مصرف شود یا به بازار برسد. انجیر هم مانند انگور از تنوع برخوردار است. به طور کلی انجیرهای دوان به دو دسته سیاه و سفید تقسیم می‌شوند. انجیرهای سیاه شامل ۱ - پی‌وس (Peyves)، ۲ - غنی (qani)، ۳ - کوچی سی‌یه (kutsi - ye siya)، و ۴ - گلو (gelu) است. انجیرها سفید شامل ۱ - انجی (andzi)، ۲ - خروکی (xarveci) و ۳ - کوچی (kutsi) است. هر کدام از این انجیرها دارای طعم و رنگ خاصی هستند و مصارف گوناگون دارند.

میزان محصول هر درخت انجیر بین ۲۰ تا ۱۰۰ کیلو اظهار شده است. با توجه به اینکه تعداد درختهای باغهای انجیر دوان به ۵۰۰۰ می‌رسد و هر درختی به طور متوسط ۵۰ کیلو انجیر می‌دهد، اگر مراقبتهای صحیح از درختان انجیر بعمل آید، تولید سالانه باغهای انجیر به تنهایی چیزی حدود ۲۵۰ تُن خواهد بود (این مقدار بدون احتساب مقدار تولید درختان انفرادی در باغهاست). سالانه مقداری از این تولید به صورت انجیر، تر به بازار کازرون عرضه می‌گردد و همچنین مقدار زیادی به صورت انجیر خشک به کازرون یا روستاهای اطراف فرستاده می‌شود. علاوه بر انجیر، در کوههای دوان یک نوع گلابی و امرود به نام خرمور (xormur) وجود

(۱) برای بهتر به بار نشستن درختهای انجیر پرورشی، مردم دوان هر ساله عمل گرده‌افشانی انجام می‌دهند، بدین صورت که میوه نرسیده انجیر وحشی را می‌چینند و در لابلای شاخه‌های درختهای انجیر پرورشی خود قرار می‌دهند. در میان میوه انجیر وحشی که دارای گل نر است حشراتی زندگی می‌کنند که در موقع معینی از آن خارج می‌شوند و روی میوه‌های نارس انجیر پرورشی قرار می‌گیرند، در نتیجه دانه‌های گرده به گل‌های ماده انجیر می‌رسد و بارور می‌شود.

دارد که میوه آن طعم خوبی دارد. دوانی‌ها زیاد روی این گیاه کار نکرده‌اند و در سطح همان گلابی وحشی باقی مانده و نه تولید آن بالاست و نه از بازار خوبی برخوردار است. بیشتر تولید خرمور برای مصرف شخصی است و کمتر کسی دیده می‌شود که این محصول را به بازار ببرد زیرا عمدتاً درختهای خرمور به صورت پراکنده در باغهای انگور و انجیر دیده می‌شوند و به آن صورت باغ خرمور قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد از آنجایی که این باغ هم به صورت دیمی می‌باشد شاید کار کردن بر روی این میوه و اصلاح نمودن آن از لحاظ اقتصاد کشاورزی باصرفه باشد.

بخش دامپروری

بخش دامپروری دوان به چهار قسمت مجزا تقسیم شده است. فعالیت هر قسمت به سهم خود مهم و دارای اثرات تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد روستا بوده است. قسمتهای دامپروری دوان شامل دامداری، پرورش طیور، زنبورداری و نهایتاً نگهداری چارپایان است. هر کدام از قسمتهای نامبرده، در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحولاتی گردیده است که به شرح آنها خواهیم پرداخت.

دامداری

قبل از اینکه دوانی‌ها به زندگی کشاورزی بپردازند، دارای زندگی شبانی بوده‌اند. فرهنگ دامداری که امروزه در دوان رایج است، نشانگر وجود زندگی شبانی نیمه ساکن بوده است. منظور این است که به لحاظ موقعیت خاص اکولوژیکی دوان، دوانی‌ها قادر بوده‌اند که ضمن اینکه در یک جا ساکن باشند و همچون عشایر کوچ‌رو مجبور به بیلاق و قشلاق در مسیرهای طولانی نباشند، اما از طرف دیگر دامپروری کاملاً ثابت هم نداشته باشند و به عوض تولید علوفه برای دام به علت در اختیار داشتن مناطق سرحدی و گرمسیری گله‌های خود را به بیلاق و قشلاق محدود ببرند. باگسترش زندگی بر پایه کشاورزی، زندگی شبانی تحت تأثیر کشاورزی قرار گرفته و نیرو و توان دوانی‌ها متوجه امور غیر دامداری می‌گردد لذا دامداری از موقعیت محوری خارج است و امروزه نه دارای رونق سابق خود است و نه قابل مقایسه با بخش کشاورزی است. بارها دوان به طور کلی و گله‌های آن به طور اخص مورد تجاوز و غارت قرار گرفته و هربار اقتصاد این روستا

دچار فقر گشته است.

گله‌داری در دوان به سه صورت کلی می‌باشد. شکل اول گله‌های تک صاحبی است که صاحب گله، دارای یک چوپان خصوصی است و چوپان با صاحب گله زندگی می‌کرده و از صبح گله را به چرای می‌برده و با غروب آفتاب به ده باز می‌گردانده است. مدت قرارداد یکساله بود و غذا و لباس و جای چوپان با صاحب گله بوده و مضافاً هر چوپان در مقابل هر ۱۰۰ تا ۱۵۰ گوسفند و بز در پایان سال حق داشت که ۱۰ بز یا گوسفند را از میان گله به نام خود رقم بزند. در بعضی قراردادها مقداری هم گندم (مثلاً ۱۲۰ من) به طور سالانه به چوپان می‌داده‌اند.

شکل دوم گله‌های چند صاحبی است که هنوز هم در دوان رواج دارد و به این صورت است که چندین خانواده که دارای تعداد کمی گوسفند و بز (حدوداً هر خانواده بین ۱۰ تا ۱۵ رأس) هستند، همگی احشام خود را به یک چوپان عمومی می‌سپارند و چوپان هم صبح زود از جلوی هر خانه‌ای در می‌شود و تمام احشام را جمع کرده و عازم صحرا می‌شود این گله‌ها هم با غروب آفتاب به روستا مراجعت می‌کنند. قرارداد یکساله است و برای هر حیوانی مبلغی پول یا گندم به طور ماهانه پرداخت می‌کنند (در سال ۱۳۶۵ این مبلغ ۳۰۰ ریال برای هر حیوان در ماه بوده است). در دو نوع گله‌داری ذکر شده در بالا در طول فصل بهار که اطراف روستا سرسبز است، گله‌ها را در حوالی روستا به چرای می‌برند و هر غروب به روستا برمی‌گردانند. در مراجعت از صحرا گله‌ها را به چشمه‌های روستا برده و در حوضچه‌های سنگی به نام بردینگ (barding) سیراب می‌کنند. معمولاً اطراف چشمه‌ها محلی برای استراحت گله‌هاست. در طول تابستان که علفهای حوالی روستا کم می‌شود، چوپانان گله‌ها را به نقاط کوهستانی دوردست (سرحد) دارای چشمه‌های موقت برده و برای تمام مدت تابستان در آنجا می‌مانند. در این شرایط معمولاً چوپان دارای دستیاری هم هست تا شب هنگام گله از حمله گرگ در امان باشد. محلهایی که برای این کار در نظر گرفته شده به این صورت است که ابتدا به که‌نی (ko: ni) که دارای چشمه‌های بهاری است می‌برند و سپس به محل اویبیدی (ôbiđi) نقل مکان داده می‌شوند و تا آخر تابستان در آنجا می‌مانند. در طول زمستان بیشتر علوفه را به صورت دستی در منزل به احشام می‌دهند. معمولاً علوفه زمستان کاه و جو است.

نوع سوم گله‌داری، ادغام در گله‌های عشایری است. در این نوع، شخص حیوان‌دار گله خود را

به چوپان یکی از عشایر کوچ‌رو تحویل می‌دهد و عشایر هم گله را با خود به بیلاق و قشلاق می‌برند. در این نوع کار قرارداد یک ساله است که به دو صورت اجرا می‌شود: ۱- در شکل اول که آن را نیم سود می‌گویند سود به طور مساوی بین صاحب گله و چوپان تقسیم می‌گردد و تلفات احتمالی هم به صورت مساوی تقسیم می‌گردد؛ ۲- شکل دوم به صورت نقدی است و صاحب گله برای هر رأس حیوان ماهی ۲۰ تومان (این رقم مربوط به سال ۱۳۶۵ است) به اضافه کل تولید شیر را به چوپان می‌پردازد. در این مورد تلفات به حساب صاحب گوسفند است. دوانی‌ها معمولاً شوق اول را ترجیح می‌دهند، در حالی که عشایر شوق دوم را مناسبتر می‌دانند.

تقسیم کار در مورد دامداری به این شکل است که کلیه امور و مسئولیت مربوط به دام به هنگامی که در اختیار چوپان است با او می‌باشد. چوپانان دوانی به علت دور بودن از روستا برای مدت زیادی از سال، افرادی گوشه‌گیر و منزوی هستند. بسیاری از خانواده‌ها که تعداد کمی بز و گوسفند دارند، کار چوپانی در تابستان را به پسرهای خانواده محول می‌کنند. هنگامی که گله در خانه است، نگهداری و دوشیدن شیر (که کاری سخت است) در طول سال به عهده زنان خانوار است. این کار بعضی مواقع تا پاسی از نیمه شب طول می‌کشد زیرا اگر بزی از گله جا بیفتد، چوپان مجبور است در صحرا پی آن بگردد و لذا گله دیر وقت به روستا می‌رسد و کار شیردوشی و ساختن لبنیات به تأخیر می‌افتد. اگر چوپان موفق به پیدا کردن بز خود نگردد، شب هنگام صاحب بز بر بام منزل رفته و بانگ برمی‌آورد:

هُیَ اَلْ مُنُونِ خِذَا هِرْ كِيشِ يَهْ كِرِكْ بَلْ نَارِكِ دِيْهَهْ بَغْتِ يَا اَعْلِيْ، هُوْ يَ

hoy almo: menun - e - xođa har ci - š ya ka:rek - e balnâreci

disse begat ya ali - ho: y

(یعنی ای مؤمنین خدا، هر کس یک بزغاله بل نارک دیده یا علی بگوید). اگر چوپان دیگری دیده باشد بانگ برمی‌آورد که بلی من دیده‌ام و بیا آن را ببر.

به علت کوهستانی بودن منطقه و سازگاری بز با این نوع طبیعت، قسمت اعظم گله‌های دوان را بزها تشکیل می‌دهند. اما در میان گله‌ها میش و گوسفند هم دیده می‌شود. کلیه بزهای دوان از تیره تاجیکی هستند. دوانی‌ها برای خود یک تقسیم‌بندی جامع از بزها دارند که به شرح زیر است. بزی را که زاد و ولد می‌کند بُو (boz) گویند. بزی را که به سن زاد و ولد نرسیده می‌زرد (mizard) یا تیشتر (tištar) گویند. بز نر کوچک (زیر یکسال) را کِرِک (ka:rek) بز نر بالای یکسال را پازن

(pazan) یا چپیش (čapiš) گویند که برای جفت‌گیری بکار می‌رود. همچنین بز نر جوان که آن را چغل (čečal) گویند بالای یک سال که اخته شده باشد را شیرکن (širkan) گویند. تقسیم‌بندی گوسفند به شرح زیر است: گوسفندی که زاد و ولد می‌کند میش (me:š) گوسفند ماده‌ای که زاد و ولد نمی‌کند شیشک (šišak) خوانند، گوسفند زیر یک سال را بزّه (barra) گویند، گوسفند نر بالای ۲ سال که برای جفت‌گیری است غوج (quč) نامند، و بالاخره گوسفند نر بین ۱ تا ۲ سال را کاوه (kava) گویند.

دامداری در دوان یک سیر نزولی را طی می‌کند. جدول ۶-۲ آمار مربوط به دامپروری دوان (سالهای بین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵) را نشان می‌دهد. بر اساس این آمار هم تعداد بزها و هم تعداد گوسفندان در این سالها کاهش یافته است. از طرف دیگر تعداد بزها همیشه خیلی بیشتر از گوسفندان بوده است زیرا همان طور که قبلاً گفتیم بز با طبیعت دوان بیشتر سازگار است. به طوری که از جدول برمی‌آید تعداد بزها تقریباً دو برابر تعداد گوسفندان است.

جدول ۶-۲. آمار مربوط به دامپروری در روستای دوان

سال	بز	گوسفند	قاطر	اسب	الاغ	کندو	مرغ و خروس
۱۳۵۵	۷۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰	۱۰	۵۰۰	۲۰	۲۰۰۰
۱۳۶۰	۴۴۰۰	۶۰۰	۱۵۰	—	۵۰	۱۰	۱۵۰۰
۱۳۶۵	۱۱۰۰	۶۸۳	۵۰	—	۴۰	۵	۱۰۰۰

منابع: آمارگیری نفوس و مسکن سراسر کشور. سال ۱۳۵۵.

آمارگیری جهاد سازندگی فارس، سال ۱۳۶۰.

آمارگیری میدانی پژوهشگر در سال ۱۳۶۵.

مجموع بزها و گوسفندهای دوان در سال ۱۳۶۵، ۱۷۸۳ رأس بوده که این مقدار متعلق به ۳۹ دامدار می‌باشد. دامداران دوان همه به یک اندازه بز و گوسفند ندارند. بیشترین مقدار مربوط به یک گله ۳۰۰ رأس است. کمترین مقدار متعلق به شخصی است که دارای ۴ رأس بز است. اکثر افراد دارای گله‌های کمتر از ۲۰ رأس بز و گوسفند هستند. جدول ۶-۳ آمار مربوط به اندازه گله‌ها و تعداد گله‌داران و مجموع بز و گوسفندهای گله‌های با اندازه متفاوت را نشان داده است. بیشترین

تعداد بز و گوسفند در گروه ۲۰۰ تا ۳۰۰ رأسی قرار دارد و کمترین تعداد بز و گوسفند متعلق به گله‌های کمتر از ۲۰ رأس است.

معمولاً در هر سال هر گوسفند یا بز ماده به ترتیب دو بزه و دو بزغاله می‌زایند. با این حال دوانی‌ها دام را به صورت پروراندی نگهداری نمی‌کنند زیرا در اثر رفت و آمد گله‌ها، بزها و گوسفندها لاغر هستند. گله‌ها عمدتاً برای تولید شیر نگهداری می‌شوند. هر بز ماده در شبانه روز یک لیتر شیر می‌دهد. میزان تولید شیر در دوان آن قدر پایین است که عمدتاً برای مصارف خانوادگی است، به طوری که امروزه تهیه شیر محلی در دوان امری بسیار مشکل است.

در میان دامهای دوان، همچون سایر دامهای منطقه فارس، بیماریها و آفات دامی شایع است که دامداران را با خطر از بین رفتن دامهایشان مواجه می‌کند. یک بیماری سخت طوقه (tevqa) است که همان فلج شدن دام است و باید پیشگیری شود زیرا در صورت مبتلا شدن، دام از بین می‌رود. بیماری دیگر رِ-زَرَه (re:za:ra) یا زهره است که کیسه زهره بزرگ شده و دام اسهال می‌گیرد. در مورد این بیماری هم پیشگیری لازم است زیرا مبتلا شدن به معنی مرگ حیوان است. اوله (ôla) یا آبله هم در میان دامهای دوان وجود دارد و باید از این مرض هم پیشگیری بعمل آید. انگل روده از بیماریهای شایع است و دارای واکنش می‌باشد. زردیون (zardiun) همان یرقان است و در صورت مبتلا شدن دام، گوشت آن دیگر قابل استفاده نیست. بعضی مواقع هم کنه در بدن دامهای دوان دیده می‌شود که با سم زدن چاره می‌کنند. اگر دام گیاه کالوس، دنک (denek) یا گل سفید بخورد مبتلا به کوری چشم یا خرابی جگر می‌شود که در این صورت دوانی‌ها دام خود را به منطقه سردسیر می‌برند. خلاصه اینکه دوانی‌ها همه ساله دارای مقداری تلفات دامی در رابطه با امراض دامی هستند.

یکی دیگر از مشکلات دامداران دوانی مسأله مرتع و چراگاه است. سابقاً که چراگاهها عمومی بوده است دوانی‌ها با کمبود علوفه مواجه نبوده‌اند اما از زمان اصلاحات ارضی به بعد که دولت اعلام نمود عشایری که در مرتع‌های اجاره‌ای بوده با ارائه اجاره نامه، مرتع به آنها واگذار می‌شود، لذا دوانی‌ها هم با کمبود مرتع مواجه شده‌اند. چون دوانی‌ها سابقاً مراتع خود را در مواردی به عشایر اجاره می‌داده‌اند، لذا از آن زمان به بعد مقدار زیادی از مراتع خود را از دست دادند و امروزه در همین رابطه با مشکل کمبود علوفه مواجه هستند که در نتیجه علوفه‌ای برای زمستان دامهای خود ندارند و باگرانی علوفه مسأله ادامه دمداری برایشان باصرفه نیست.

جدول ۳-۶. اندازه و تعداد گله‌های موجود در دوان در سال ۱۳۶۵

اندازه گله (به رأس)	تعداد گله داران	جمع کل بز و گوسفندها	متوسط اندازه گله
۳۰۰-۲۰۰	۲	۵۰۰	۲۵۰
۱۷۰-۱۰۰	۲	۲۷۰	۱۳۵
۸۰-۵۵	۵	۳۴۴	۶۹
۵۰-۳۰	۷	۲۷۵	۴۰
۲۸-۲۰	۱۱	۲۴۰	۲۲
کمتر از ۲۰	۱۲	۱۵۴	۱۳
جمع کل	۳۹	۱۷۸۳	۴۶

منبع: آمارگیری میدانی پژوهشگر در سال ۱۳۶۵.

زنبورداری

از آنجایی که مَش (maš) (زنبور عسل) غذای خود را از گرده گل گیاهان بدست می‌آورد، برای منطقه‌ای همچون دوان که دارای گیاهان و گل‌های فراوانی است، زنبورداری یکی از پرمنفعت‌ترین و مناسبترین فعالیت‌های اقتصادی است. از طرف دیگر به لحاظ کشاورزی، بسیاری از گیاهان موجود در منطقه دوان نظیر انگور، بادام، گلابی و خرمور برای تولیدمثل به زنبور عسل (برای عمل گرده‌افشانی) نیاز دارند. دوانی‌ها از دیرباز به اهمیت کشاورزی - اقتصادی حرفة زنبورداری پی برده به همین لحاظ تا همین اواخر کندوهای زیادی در دوان وجود داشته است. اما امروزه در اثر شرایط مختلف کندوداری در دوان از رونق افتاده است. به طوری که آمار جدول ۲-۶ نشان می‌دهد، بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ ۵۰ درصد و بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ هم ۵۰ درصد دیگر در تعداد کندوهای دوان کاهش دیده شده است.

جدول ۴-۶ تعداد کندوهای عسل دوان را بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۵ نشان می‌دهد. به طور کلی در ۶۵ سال گذشته تعداد ۲۶ نفر زنبوردار در دوان وجود داشته که در مجموع ۲۴۵ کندوی عسل داشته‌اند امروزه تنها ۵ کندوی عسل در دوان وجود دارد.

جدول ۴-۶. تعداد کندوهای عسل دوان بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۵

ردیف	اندازه زنبورداری	جمع کل کندوها
۱	زنبورداری عمده (بیش از ۲۰ کندو)	۴۰
۲	زنبورداری متوسط (بین ۱۹ تا ۱۰ کندو)	۱۳۰
۳	زنبورداری کوچک (کمتر از ۹ کندو)	۷۵
	جمع کل	۲۴۵

منبع: تحقیقات میدانی پژوهشگر.

دوانی‌ها زنبوران عسل خود را در کندوهای سفالی بومی که به صورت استوانه‌ای است و در کمر باریک می‌باشد و اصطلاحاً آن را زره (era) می‌نامند نگهداری می‌کنند. طول کند و ۷۰ سانتی‌متر و قطر آن ۳۰ سانتی‌متر است. جنس کندوها سخت بوده و در مقابل هوا و رطوبت مقاومند. محل کندوها منازل صاحب کندو بوده و اگر چه کندوهای دوانی‌ها سنگین است اما دوانی‌ها بعضی مواقع برای اینکه زنبوران از غذای مفصل‌تری برخوردار باشند کندوها را به باغها منتقل می‌کردند تا زنبوران از گل‌های بهاری استفاده بیشتری ببرند. در زمستان به علت عدم وجود گُل، زنبورداران مجبور بودند هر ۵ روزی نیم کیلو شیرۀ انگور در مقابل هر کندو جهت غذای زنبوران بگذارند. بعضی مواقع در اثر حمل و نقل، کندوها صدمه می‌دیدند.

به طور متوسط از هر کندو در سال یک بار به مقدار ۱۰ کیلو عسل ناب برداشت می‌شده است. در زمان رونق زنبورداری در دوان، چیزی بیش از ۲۰۰۰ کیلو عسل در سال از کندوهای دوان برداشت می‌کرده‌اند که مقداری از آن به مصرف شخصی و قسمت عمده آن از صادرات مهم دوان به روستاهای اطراف بوده و عسل دوان مشهور بوده است. در حال حاضر دوان کل عسل مورد نیاز ساکنان خود را از خارج از روستا تأمین می‌کند. در واقع دوانی‌ها یک منبع درآمدی که مواد اولیه آن به صورت رایگان در طبیعت وجود دارد از دست داده‌اند. برعکس دامداری که